

«جلال بر خداوند در بالاترین آسمان‌ها و آرامش بر انسان‌هایی که مورد محبتش می‌باشند»

سرود فرشتگان

به مناسبت میلاد عیسی مسیح



«باری در آن روزها، فرمانی از سوی قیصر اوگوستس صادر شد تا همه سرزمین مسکون را سرشماری کنند. این نخستین سرشماری، هنگامی انجام شد که کرنیلیوس فرمانروای سوریه بود» (لو ۲: ۱-۲).

تولد، جایگاه کمی را در متن به خود اختصاص داده است. تنها با یک آیه تداعی می شود: مریم، طفلی را به دنیا آورده، در قنذاق پیچیده و در یک آخور خوابانده است، این کل موضوع است؛ نهایت سادگی، حتی بدون یک کلمه دیگر، هیچ چیز چشم گیر نیست: یک مادر و نوزادش. ما علاقه مندیم از این موضوع کمی بیشتر بدانیم. شخصیت های دیگر کجا هستند؟ یوسف کجاست؟ چه کار می کرده است؟ نویسنده به این سؤالات علاقه ای نداشته است. اما او ما را در شرایطی قرار می دهد تا به جایی دیگر هدایتمان کند. آن جایی که در آن اساس روایت او جریان دارد.



شمایل کلیسای مصر (قبطی) قرن ۱۳ میلادی

فرشته خداوند:

ماجرا، در یک مکان نامشخص روی می دهد ولی نزدیک مکانی است که مسیح به دنیا آمده درست مثل زمانی که در یک تئاتر، صحنه توسط نوری از بالا روشن می شود. فرشته خداوند به چوپانان ظاهر می شود. ظهور فرشته خداوند موضوع تازه ای در کتاب مقدس نیست. در نهایت همه چیز در غالب یک نمای کلی کلاسیک جریان دارد: فرشته خداوند ناگهان ظاهر می شود،

ظهورش سبب ترس می شود، پیام آور الهی، مژده تولد یک کودک را همراه با یک نشانه می دهد. لوقا، کتاب مقدس و هم چنین وساطت های فرشته خداوند را به خوبی می شناخته. در انجیل لوقا، این ظهور، سومین ظهور فرشته خداست. فرشته، قبلاً به زکریا در معبد و به مریم ظاهر شده بود. در هر دو روایت نام فرشته، جبرائیل ذکر شده، فرشته ای که در کتاب دانیال مژده فرا رسیدن زمان نجات را می دهد. در اینجا فرشته خداوند بیشتر از اعلام کننده های مژده در نظر گرفته نمی شود. و دریافت کنندگان این مژده چوپانانی گمنام بوده اند.

کودکی برای شما:

روایت، موضوع تازه ای را در بر دارد. همه چیز بر اساس یک چهارچوب کلی و معین جریان ندارد. مژده تولد، این بار مختص اقوام آینده نیست بلکه خطاب به کسان دیگری است. «او برای شما متولد شده» کلام فرشته این است. خداوند این کودک را به چوپانان هدیه کرده ولی به طور یکسان به امتی که با شنیدن این مژده از شادی لبریز خواهند شد. از سوی دیگر، کودک

دیگر در حال آمدن نیست بلکه او اکنون اینجا است. فرشته می گوید: «امروز برای شما متولد شد». برای نخستین بار است که این کلمه مهم را در انجیل لوقا می شنویم دوباره می توانیم آن را هنگام تعمید عیسی، هنگام موعظه او در ناصره، ملاقاتش با زکی و روی صلیب خطاب به دو راهزن پیدا کنیم: «کلمه امروز» زمان نجات، دیگر در راه نیست. اکنون زمان نجات است، زمانی که با تولد عیسی افتتاح شده است.



القاب پادشاهی:

پیام آور الهی، اکنون که کودکی که متولد شده، عنوان پادشاه را به او می دهد. او مسیح، خداوند و نجات دهنده است.

Chrestos : ترجمه یونانی کلمه

مسیح است، پادشاهی که قوم یهود در انتظار او بودند می بایست از نسل داود باشد. عیسی، در بیت اللحم یعنی دقیقاً در همان دهکده ای که داود متولد شد، به دنیا آمد.

او خداوند است. کلمه ای که مفهوم پادشاهی دارد و برای نشان دادن امپراتور به کار رفته است و نیز کلمه ای است که در کتاب مقدس یونانی به خداوند اشاره دارد.

در نهایت او نجات دهنده است. این کلمه نیز محتوای پادشاهی و سلطنت دارد انسان های قدرتمند در هر دوران دوست داشتند که این عنوان را به خود اختصاص دهند آنها می خواستند از

طرف ملت شان «ولی نعمت» (منجی) نامیده شوند. این کلمه، کلمه ای است که در کتاب داوران برای نشان دادن شخصیت های الهی که خداوند برای نجات قوم اش فرستاده، به کار رفته است. در نهایت با یکی از این کلمات است که خداوند خودش را مکشوف می سازد. مریم آن را در تمجید خود به کار برده: «جان من کبریای خداوند را می ستاید و روح من در خدا، نجات دهنده من شادی می کند». (لوقا ۱: ۴۷)



منادی، پادشاه

در روایت لوقا، فرشته خداوند مانند یک شیپورچی دربار ظاهر می شود که قلمرو حکومت را برای شمردن عنوان های یک فرزند سلطنتی که باید روی تخت پادشاهی بنشیند در می نوردد. متن، مکانی را که فرشته در اینجا ظاهر شده مشخص نمی کند بلکه تنها توضیح می دهد که «در این شهر» شهری که مریم و یوسف در آنجا می باشند، متعلق به نسل داود داست. مژده، خطاب به مردم سرزمینی است که در انتظار پادشاهی از سوی خداوند هستند. چوپانان که از پایین ترین اقشار جامعه هستند اولین کسانی می باشند که از موضوع تولد این پادشاه با خبر می شوند و این طبیعی است، زیرا پادشاه مخصوصاً برای آنها می آید. بعدها خداوند عیسی می گوید: «خوشابه حال شما ای فقیران زیرا ملکوت خدا از آن شماست» هم چنین می گوید: «تو را شکر می کنم، ای پدر، خداوند آسمان و زمین که این از خردمندان مخفی داشتی و بر حقیران آشکار کردی».

سؤال پیچیده:

خواننده انجیل با این بیان باشکوه و رسمی دچار کنجکاوی می شود. این القاب چه مفهومی دارند؟ چگونه این کودک به پادشاهی می رسد؟ آیا شیوه حکومت او به شیوه اوگوستس قیصر و نماینده او و یا به شیوه داود پادشاه، جد یوسف خواهد بود؟ چگونه او بر تخت پادشاهی خواهد نشست؟

خواننده با یک روش راحت تر از خود می پرسد که چگونه چوپانان این کودک را می یابند؟ فرشته خداوند به هیچ کدام از این سؤال ها پاسخ نمی دهد ولی هم چون تمام مژده های تولد، تنها یک نشانه می دهد. او از کودکی صحبت می کند که در طویله ای خوابیده است. نشانه داده شده توسط فرشته مبهم است. این نشانه کاملاً در تضاد با پیغامی است که به چوپانان داده شده است. چگونه فقر و سادگی کودک می تواند نشانه های پادشاهی او باشد؟

این پیام آسمانی با قرار گرفتن در ابتدای انجیل نقش مهمی را ایفا می کند. این پیغام کنجکاوی ها را برمی انگیزد و مخاطب را به خواندن باقیمانده متن ترغیب می کند. سرنوشت این پادشاه کودک که در آخور خوابیده چه خواهد بود؟ قرائت انجیل، مخصوصاً روایت حرکت مسیح به سوی اورشلیم، تدریجاً اجازه می دهد که متوجه این تناقض بشویم. ولی مفهوم نهایی پادشاهی عیسی به جز بعد از مرگ و رستاخیزش قابل درک نیست.

آواز فرشتگان:

روایت با فرا رسیدن گروهی عظیم ادامه می‌یابد: فرشتگان (لشکر فرشتگان). نقش این لشکر مانند کسی است که در یک تئاتر قدیمی هم خوانی می‌کند و در پایان یک صحنه به منظور هدفی مشخص می‌آید. فرشتگان، ستایش خداوند را می‌سرایند و آرامش را برای «مردمی که مورد محبت او هستند». بیان جدید مبهم است و این محبت شامل چه کسانی می‌شود؟ محبت خدا یا محبت انسان‌ها؟ آیا در مورد انسان‌های نیکوکار است؟ (طبق ترجمه قدیمی) یا در مورد انسان‌هایی که مورد محبت خدا هستند؟ (طبق ترجمه جدید). اولین مطلب برای مشخص کردن این اختلافات گرایش و تمایل قلبی انسان‌ها برای پذیرفتن سلام خداوند یا محبت رایگان خداوند برای انسانها؟

سؤال‌های دیگر:

این مژده متعلق به کدام قشر مردم است؟ آیا تنها قوم برگزیده مورد خطاب هستند یا تمام مردمان کره زمین؟ و بالاخره: این آرامش شامل چه چیز می‌شود؟ آیا باطنی است یا ظاهری؟ آیا برای امروز است یا برای فردا؟ دنباله انجیل تدریجاً جواب این سؤال‌ها را در بردارد مانند مژده فرشته، آواز فرشتگان، خطاب به خواننده است تا علاقه او را ایجاد کند. او سؤالات اساسی را بیان می‌کند. سؤالاتی که مسیحیان اولیه از خود می‌پرسیدند.



مینیاتور کلیسای یونانی قرن ۱۲ میلادی

فرشتگان جدید:

وقتی فرشتگان رفتند، چوپانان که تا حالا مانند یک مجسمه بر جای خود میخکوب شده بودند، به نوبه خود به حرکت درآمدند. آنها متقابلاً تشویق می شوند و به دیدن چیزی بروند که تحقق یافته است. آنها با عجله به آنجا می روند و آنچه را که بر آنها آشکار شده است را اعلام می کنند. کسانی که این خبر را می شنوند تعجب زده می شوند. ما این تعجب را در پایان انجیل، در مورد پطرس دوباره مشاهده می کنیم هنگامی که در صبح روز رستاخیز زنان پیغام فرشته ها را به او منتقل می کند.

چوپانان هم اکنون سرشار از شادی بازمی گردند. آنها می توانند کلام خدا را که تحقق یافته است درک کنند. آنها به نوبه خود مانند فرشته خداوند، خبر یک خوشی را اعلام می کنند و به نوعی به فرشتگانی تبدیل شده اند که پیام آور خوشی و ستایش کننده می باشند. مانند لشکر فرشتگان، آنها هم اکنون ستایش خدا را می سرایند و این حاکی از نقش یک جامعه مسیحی است که مسئولیت اعلام مژده را به تمام مردم مورد محبت خداوند داراست مژده ای که توسط عیسی خداوند تنها نجات دهنده ما به انجام رسیده است.

مژده های تولد:

واقعۀ چوپانان و فرشته ها به عنوان بخشی از سنت در کتاب مقدس جای دارد: زیرا در روایت های مشابه تر در عهد عتیق، مژده تولد یافت می شود. که انجیل نویس از آن الهام گرفته تا نشان دهد که نقشۀ خداوند ادامه دارد.

یکی از عمده ترین مضامین انجیل لوقا اتمام این روش است زیرا آنچه را که خدا در زمان های گذشته انجام داده و آنچه را که توسط پیامبران مژده داده بود، هم اکنون در حد کمال مکشوف گردیده. خداوند عمل خود را در عیسی مسیح به اتمام می رساند. در حالی که متی این روش را در نگارشش بسط می دهد، اما لوقا آن را به گونه ای دیگر بیان می کند. هر روایت او به طور مستقیم از متون گذشته عبور نمی کند اما از آن الهام می گیرد و روش آن را سرلوحه روایت خود قرار می دهد.

مژده های تولد در عهد عتیق:

در عهد عتیق، مژده های تولد متعددی وجود دارد که توسط خداوند، یا یک پیامبر یا فرشته خداوند اعلام شده است. در ابتدا مژده های تولد اسماعیل و اسحاق و مژده تولد شمشون یکی از نجات دهنده های بنی اسرائیل را بررسی کنیم.

پسر وعده داده شده:

در کتاب آفرینش، خداوند بارها، نسلی از داود را وعده می دهد با این وجود در تحقق این وعده تأخیر ایجاد می شود. سارا از کنیز خود هاجر می خواهد تا به همسری شوهرش در آمده و برای او پسری بیاورد. اما چون کنیز حامله می شود، خاتون نسبت به او حسادت می کند و بنای سختی با وی می نهد و او به ناچار از نزد وی می گریزد و به بیابان روی می نهد. در این هنگام فرشته خداوند به هاجر ظاهر می شود و به او می گوید: اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید و او را اسماعیل نام خواهی نهاد زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است و او مردی وحشی خواهد بود دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او، و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود» (پید ۱۶: ۱۱-۱۲)

این پسر، پسر وعده داده شده نیست و خداوند پسر وعده داده شده دیگری را برای ابراهیم یعنی اسحاق را که از او و سارا است به ابراهیم وعده می دهد: «پسری نیز از وی به تو خواهم بخشید او را برکت خواهم داد و امت ها از وی به وجود خواهند آمد و ملوک امت ها از وی پدید خواهند شد» (پید ۱۷: ۱۶-۱۷). ابراهیم به روی در افتاده و خندیدند و در دل خود گفت «آیا برای مرد صد ساله پسری متولد شود و ساره در نود سالگی می تواند فرزندی بزاید؟» در واقعه مشهور بلوطستان ممری، مژده جدیدی از تولد وجود دارد. (پید ۱۸). این بار هویت مژده دهنده دیگر اسرار آمیز نیست ابتدا سه مرد آشکار می شوند سپس خود خداوند است که دو فرشته را همراهی می کند. سارا را جای همسر خود را می گیرد و به نوبه خود می خندد، این خنده، عکس العمل خداوند را برمی انگیزد. «چرا می خندد؟» مگر برای خدا انجام دین امری محال است؟

تولد یک نجات دهنده:

در کتاب داوران، ما روایت مژده تولد شمشون یکی از داوران اسرائیل را مشاهده می کنیم (داوران مردان خدا بودند که برای نجات قوم، توسط خدا برانگیخته شده بودند). چنین است ظهور فرشته خداوند به همسر مانوح که مژده تولد شمشون، یکی از مهم ترین داوران را می دهد «اینک تو نازا هستی و نزاییده ای، لیکن حامله شده، پسری خواهی زایید و الان با حذر باش و

هیچ شراب و مسکری منوش و هیچ چیز نجس مخور زیرا یقیناً حامله شده و پسری خواهی زایید و استره بر سرش نخواهد آمد، زیرا آن ولد از رحم مادر خود برای خدا نذیره خواهد بود؛ و او به رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینیان شروع خواهد کرد.» (داوران ۱۳: ۳-۵). مانوح و همسرش برای خداوند قربانی می گذرانند و فرشته در شعله آتش ناپدید می شود. اکنون، مانوح دانست که او فرشته خداوند بوده است و به همسرش می گوید: «البته خواهیم مرد، زیرا خدا را دیدیم». در زبان کتاب مقدس، رویت فرشته، رویت خود خداوند است.

پنج مرحله در مژده تولد:

در تمام این روایت ها ما پنج مرحله مشابه یکدیگر را مشاهده می کنیم:

(۱) فرشته خداوند، یک پیامبر و یا خود خداوند ناگهان در زندگی والدین آشکار می شود برای این والدین، داشتن فرزندی محال بوده است. زندگی شخصی آنها، دچار بن بست شده بوده.

(۲) ظهور الهی، تعجب و ترس ایجاد می کند.

(۳) اعلام کننده خبر با دنبال کردن روایت، یک پیغام کم و بیش پیچیده را می دهد ولی نقطه مشترک، گشایش سرنوشت قهرمان است. معمولاً مژده، نام کودک و رسالتی را که باید انجام دهد را دربردارد.

(۴) موجود بشری برای پذیرش پ مژده با مشکل مواجه می شود، او همیشه سؤال مطرح می کند و ایراد می گیرد.

(۵) روایت با یک نشانه داده شده توسط خداوند و یا پیغام آورش خاتمه می یابد.

نویسنده های این روایات، ضمن توصیف روایت ایمان قوی خودشان را ابراز می کنند خداست که حیات می بخشد و به انتظار کسانی که در غم و اندوه هستند پاسخ می دهد و ناگهان قهرمانانی را ظاهر می کند که قوم اش به آنها احتیاج دارند، هیچ خللی در این رده قرار نمی گیرد چون هیچ چیز برای خدا غیر قابل امکان نیست.

مژده تولد یحیی تعمید دهنده:

لوقا، روایت مژده تولد را در ابتدای انجیل خود قرار می دهد که کاملاً بر اساس روش بالا نگارش یافته است. فرشته خداوند نزد کاهنی پیر که همسرش نازاست ظاهر می شود و باعث ترس و حیرت او می شود. او تولد کودکی را اعلام می کند و نام و رسالت کودک را نیز بیان می دارد. پدر آینده اشکال می گیرد و نشانه ای را می طلبد می کند. فرشته خود را معرفی می کند: «من جبرائیل هستم» و می پذیرد که نشانه ای به زکریا دهد: «کاهن معبد لال خواهد شد».

یک روایت پرمعنا:

با خواندن این روایت، ما به راحتی متوجه هدف این نوشته می‌شویم زیرا متن از زبان و کنایه‌های عهد عتیق بسیار استفاده کرده است و به خصوص در مورد شخصیت فرشته‌ خداوند به منظور ربط دادن روایت خود به روایات مهم قوم خدا که با ابراهیم شروع شده است و همچنین متن نیز یک جو متوقف شده و بنیان‌گذاری محکم را القاء می‌کند، معبد و کارگزارانش دیگر نمی‌توانند ثمره‌ای بدهند، زکریای کاهن در مهم‌ترین لحظه زندگی‌اش، آموزه‌های روایت مقدس را فراموش کرده بود. او باید ابراهیم و سارا را به یاد می‌آورد و می‌دانست که هیچ چیز غیرممکنی برای خدا وجود ندارد ولی او درخواست نشانه می‌کند و کلام خداوند را کاملاً باور ننمود. او دیگر هیچ چیز برای گفتن به مردمی که منتظر بودند چیزی بشنوند، نداشت زیرا فرشته خداوند آن را اعلام کرده بود.

مژده تولد عیسی:

با مژده تولد عیسی، بخش تازه‌ای در روایت قوم خدا آغاز می‌شود. روایت بر اساس یک نمای کاملاً کلاسیک بیان می‌شود: آمدن ناگهانی پیام‌آور، وحشت مریم، اعلام تولد به همراه نام و رسالت کودک، سؤالات مریم و نشانه‌داده شده توسط فرشته در نگارش این روایت. رجوع به عهد عتیق واضح است به نحوی که به موازات روایت قبلی است. ولی تفاوت آن کاملاً آشکار است. چون مریم شک نمی‌کند. او به راحتی توضیحاتی را طلب می‌کند و ساکت نمی‌باشد بلکه برعکس، همان موقع که فرشته او را ترک می‌کند و با عجله برای گفتن چیزی که کاهن معبد نتوانست بگوید به سمت منزل الیصابات می‌رود. او ستایش خداوند، نجات دهنده خود را می‌سراید.

نشانه‌داده شده توسط فرشته، دو متن را به هم مرتبط می‌کند، الیصابات حامله است خداوند اولین عهدش را با قوم خویش فراموش نکرده است. او آخرین و بزرگترین پیامبر خود را می‌فرستد. پیامبری که حتی قبل از تولدش در برابر آن کسی که عهد جدید را افتتاح می‌کند از شادی لبریز می‌شود.



ویترای کلیسای Taize قرن ۲۰

هدف فرشتگان پیام آور:

چوپانان نیز همان رفتاری را داشتند که مریم از خود نشان داد. در طول اعلام مژده و ستایش فرشتگان، آنها ساکت بودند ولی بعد از رفتن فرشتگان، آنها این خبر خوش را اعلام کردند و سرود ستایش خداوند را می سرایند. نقش فرشتگان پیام آور تولد هم اکنون به اتمام رسیده است. کتب مقدس کامل شده اند. با آمدن مسیح زمان درود خدا (سلام خدا) فرا رسیده است و خبر خوش سرانجام به مردم رسیده است و با رسیدن به این مردم به تمام سرزمین مسکون می رسد.

اعلام مژده به یوسف:

هنگامی که انجیل کودکی مسیح را طبق نوشته متی می خوانیم با روایتی کاملاً متفاوت با آنچه که لوقا مطرح کرده است مواجه می شویم. مطمئناً نقاط مشترکی در این دو روایت وجود دارد مانند: یوسف و مریم، تولد عیسی در بیت الحم نقش فرشته خداوند ولی تفاوت ها نیز بسیارند. دو انجیل یک واقعه مشابه را روایت نمی کنند. لوقا، مژده به چوپانان و معرفی معبد را مورد توجه قرار می دهد و متی ملاقات مجوسیان و فرار به مصر را مورد توجه قرار می دهد.

وساطت های متعدد فرشته خداوند:

هر دو انجیل، بخش بزرگی از روایت خود را به وساطت فرشته خداوند اختصاص می دهند که این نقش در هر انجیل سه بار است. در انجیل لوقا سه مژده تولد وجود دارد: مژده به زکریا، به مریم و به چوپانان. در انجیل متی سه خبر به یوسف وجود دارد اولین خبر، مژده تولد عیسی است. سپس فرشته نزد یوسف می آید تا بگوید که هیروودیس قصد کشتن عیسی را دارد. و سومین خبر، مربوط به مرگ فرمانروای ظالم است.

فرشته ای متنفر از زنان !:

با کمی تعمق پی می بریم که فرشته خدا که متی روایت می کند فقط در خطاب به یوسف که نقش راهنما و مژور را دارد سخن می گوید. از محبت و لطف این فرشته است که یوسف می تواند تصمیمی به نفع خانواده خود بگیرد. ولی در مقابل، در انجیل لوقا، فرشته مریم را مورد خطاب قرار می دهد اما نظر او را نمی پرسد. آیا فرشته انجیل متی از زنان متنفر است؟ طرح چنین سؤالی بدین صورت گستاخی است و نمی توان به آن پاسخ داد. او را ما را دعوت می کند که از طریق دیگری در آن تعمق نماییم.

دیدار فرشته هنگام خواب:

خواندن دقیق متن ما را متوجه یک عنصر اصلی و کلیدی می‌کند که شاید تا به حال دقیقاً به آن توجه نکرده باشیم. فرشته خداوند فقط در خواب به یوسف ظاهر می‌شود. چنین ظهوری بارها در عهد عتیق مشاهده می‌شود.

خواب ابی‌ملک:

خدا به او می‌گوید که او به زن ابراهیم نزدیک نشود زیرا که ابراهیم او را مانند خواهر خود معرفی کرده بود (پید ۳:۲۰).

رؤیای یعقوب در لحظه‌ای که او همراه پسرانش آماده رفتن به اسرائیل است برای ملحق شدن به یوسف است به وقوع می‌پیوندد. در یک رؤیای شبانه خداوند در خطاب به اسرائیل می‌گوید: «ای یعقوب، ای یعقوب» گفت: لبیک. گفت: «من هستم الله، خدای پدرت، از فرود آمدن به مصر ترس، زیرا در آنجا امتی عظیم از تو به وجود خواهم آورد من با تو به مصر خواهم آمد و من نیز تو را از آنجا البته باز خواهم آورد» (پید ۴:۲-۴). رؤیاهای شبانه سموئیل کوچک در هیکل وقتی که خداوند او را به خدمت خود فرا می‌خواند، (۱- سمو ۳:۱۵). در بعضی از متون مقدس، خداوند می‌تواند با موجود بشری از طریق خواب ارتباط برقرار کند. با چنین روشی خدا می‌تواند ضمن نگه داشتن راز خود با بشر صحبت می‌کند و بشر نیز می‌تواند او را ملاقات کند بدون اینکه در روشنایی نورش بسوزد او را ملاقات کند.

فرشته پیام‌آور:

انجیل متی و لوقا علی‌رغم تضاد ظاهریشان هر دو واقعه‌ی مشابهی را روایت می‌کند؛ و آن روایت نجات توسط خدا است. هر دو به دنبال پاسخی برای یک سؤال مشترک هستند: «عیسی کیست؟» هر دو نویسنده مطابق دوران خود می‌نویسند و از ابتدای روایت خود، به دنبال این است که از زندگی قهرمان روایتشان، یک دید کلی به خواننده خود بدهند. لوقا و متی، هر کدام به روش خود، کلیدهایی برای درک زندگی عیسی به ما می‌دهند. یعنی همان کسی که نجات دهنده اسرائیل و نجات دهنده تمام بشریت است فرشته انجیل لوقا، مژده تولد نجات دهنده‌ای را در شهر داود می‌دهد. فرشته، انجیل متی، مژده تولد کودکی را می‌دهد که نامش عیسی است و اوست که انسان‌ها را از گناهانشان نجات می‌دهد.

لشکر آسمانی (فرشتگان)

نویسندگان کتاب مقدس، خدا را همچون پادشاهی که توسط لشکریان و درباریان اش احاطه شده است معرفی می‌کند.

نویسندگان اناجیل برای ابراز کردن ایمان خود، با دستی باز از کلمات و تصاویر ذهنی کتاب مقدس اقتباس کرده‌اند. لشکر آسمانی عبارتی است که در تمام بخش‌های کتاب مقدس عبرانی یافت می‌شود.



فرشته‌ای آدم و حوا را بعد از ارتکاب به گناه از بهشت اخراج می‌کند. (پید ۳: ۲۰-۲۴)
نقاشی دیواری کلیسای حبشی

یک فضای آسمانی شلوغ:

پیشینیان زمین را به مانند سطحی معرفی می‌کردند که توسط آسمانی‌ها حکومت می‌شده است همان‌طور که می‌گوید. آسمانی‌ها بسیار زیاد بودند. در آسمان، خورشید، ماه و ستارگان که قابل رؤیت هستند و حرکت می‌کنند، وجود دارند. ولی هم چنین حقایق غیرقابل رؤیت دیگری نیز وجود دارد. مانند نیروهایی که جز دوره طبیعت حاکم هستند، در سرنوشت موجود بشری دخالت می‌کنند. باید از حمایت آنها مطمئن شد. در سرزمین کنعان آنها را بلع می‌نامند. آنها نامی خاص دارند و هدف نیایش هستند.

عبادتی محکوم شده

یک پرستش علاج ناپذیر

یهودیان، در طول تاریخشان، اغلب در وسوسه عبادت بعل و ستارگان بودند.

کتاب تثنیه در این مورد قانون می‌گذارد: «مبادا چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنی و آفتاب و ماه و ستارگان و جمیع جنود آسمان را دیده، فریفته شوی و آنها را سجده کنی (تث ۱۹:۴). پیامبران قوم را سرزنش می‌کنند که: «تمامی اوامر یهوه خدای خود را ترک کرده و بت‌های ریخته شده یعنی دو گوساله برای خود ساختند و اشیره را ساخته و تمامی لشکر آسمان سجده کردند و بعل را عبادت نمودند (۲- پاد ۱۷:۱۶)».

حلقیای پادشاه، با اقتدار دستور می‌دهد که: «کاهنان بت‌ها را که پادشاهان یهودا تعیین نموده بودند تا در مکان‌های بلند شهرهای یهودا و نواحی اورشلیم بخور بسوزانند و آنانی را که برای بعل و آفتاب و ماه و بروج و تمامی لشکر آسمان بخور می‌سوزانیدند، معزول کرد.» (۲- پاد ۲۳:۵).

درباره خدا:

نویسندگان کتاب مقدس، هنگامی که امکان برداشت اشتباه وجود نداشته باشد، از اصطلاح لشکر آسمانی برای اشاره به مقدسین الهی بهره می‌گیرند و برای بیان عظمت خداوند، او را مانند پادشاهی که در نهایت شکوه و جلال خود توسط دربار عظیمش و لشکریان با ابهت‌اش احاطه شده و اراده‌خویش را در زمین و آسمان به انجام می‌رساند، معرفی می‌کنند. همچنان که یوشع، سردار این لشکر را ملاقات می‌کند:

«و واقع شد چون یوشع نزد اریحا بود که چشمان خود را بالا انداخته، دید که اینک مردی با شمشیر برهنه در دست خود پیش وی ایستاده بود. و یوشع نزد وی آمده، او را گفت: «آیا تواز ما هستی یا از دشمنان ما؟» گفت: «نه، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم پس یوشع

روی به زمین افتاده ، سجده کرده و به وی گفت: «آقایم به بنده خود چه می گوید؟» سردار لشکر خداوند به یوشع گفت که: «نعلین خود را از پایت بیرون کن زیرا جایی که تو ایستاده ای مقدس است»؟ و یوشع چنین کرد. (یوشع ۵: ۱۳-۱۵).

دلایل متعددی وجود دارد که بتوان گفت خداوند همراه قومش است و در تاریخ قوم خود مداخله می کند. با وجود این یکی از روش های متداول در این سبک نگارش ، مهم جلوه دادن امتیاز صلح جویی و صلح طلبی این لشکر است. نقش اصلی این لشکر، فراهم کردن گروهی برای نیایش آسمانی است.

« خداوند تخت خود را بر آسمان ها استوار نموده و سلطنت او بر همه مسلط است خداوند را متبارک خوانید ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می آورید و آواز کلام او را گوش می گیرید! ای جمیع لشکرها و خداوند را متبارک خوانید! و ای خادمان او که اراده او را بجا می آورید! ای همه کارهای خداوند او را متبارک خوانید! در همه مکان های سلطنت او. ای جان من خداوند را متبارک بخوان!» (مز ۱۵۳: ۱۹-۲۰).

« هلولاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلی علین او را تسبیح بخوانید! ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید. ای همه لشکرها و او را تسبیح بخوانید. ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید. ای فلک الافلاک او را تسبیح بخوانید و ای آب هایی که فوق آسمان ها بید نام خداوند را تسبیح بخوانید زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند.» (مز ۱۴۸: ۱-۵).

در اینجا خطر اشتباه وجود ندارد. الوهیتی وجود ندارد که بتوان آن را با خدای آسمان اشتباه گرفت. تمام آنچه که در دنیا، روی زمین و آسمان وجود دارد، مخلوق خداست.

شرکای حکومت خدا:

در سایر متون کتاب مقدس ، می توان ایده ها و تصاویر ذهنی مشترکی در مورد لشکر آسمانی یافت هم چنان که در کتاب ایوب: ما می یابیم که پسران خدا را که در حضور خداوند حاضر می شوند. در میان آنها رقیب وجود دارد. که خدا به صدای او گوش می دهد (ایوب ۱). در همین کتاب پسران خدا با ستاره های صبح شریک می شوند تا شکوه خداوند خالق را بسرایند. «پایه هایش بر چه چیز گذاشته شد؟ و کیست که سنگ زاویه اش را نهاد ، هنگامی که ستارگان صبح با هم ترنم نمودند و جمیع پسران خدا آواز شادمانی دادند؟ (ایوب ۳۸: ۶-۷).

در نهایت، چگونه می توان مأموریت اشعیا را به یاد نیاورد که همراه کروبیان آواز می سرایند: «قدوس، قدوس، قدوس یهوه صباوت، تمامی زمین از جلال او مملو است» (اش ۶: ۴).

هم چنین مکاشفه حزقیال نبی تمام این متن ها به شیوه خود عظمت و زیبایی خداوند را بیان می کنند. در لفاف شکل شاعرانه، به کسی اشاره می کنند که بی نهایت فراتر از ماست، کسی که غیرقابل توصیف است ولی با این وجود با انسان ها ارتباط برقرار می کند. لوقا با آشکار کردن لشکر آسمانی به ما می گوید که آسمان ها باز است و زمین و آسمان با هم متحد شده اند و ما دعوت شده ایم به شراکت در عبادت خداوند امروز و فردا.



میناتور کتاب نیایش پادشاه لوییس قرن ۱۳

رویای یعقوب

«و خوابی دید که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده، که سرش به آسمان می رسد، و اینک فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می کنند.» (پید ۲۸ : ۱۲)

فرشته خداوند:

فرشته خداوند در بسیاری از متون عهد عتیق هم وجود دارند همانطور که در عهد جدید نیز وجود دارد بیشتر از یکی فرشتگان او نزدیک تر به خدا هست و اغلب اوقات با او یکی می شوند. فرشته خداوند، در تعداد زیادی از متون کتاب مقدس، به ویژه در عهد عتیق و اساساً در روایات به تصویر در آمده است. در میزامیر بسیار کم حضور دارد و کتب حکمت اصلاً هیچ توجهی به فرشته نمی کند. فرشته خداوند یک نام خاص نیست ولی نقشی را داراست. نقش اصلی آن استحاکم ارتباط میان خداوند و شخصیت های اصلی تاریخ مقدس است.

فرشته نجات او:

هنگامی که نظری به کتاب مقدس می اندازیم برای مشاهده ظهورهای فرشته خداوند از گوناگونی و شهرت افرادی که فرشته به آنها ظاهر شده متعجب می شویم. فرشته برای بار نخست در دوره ابراهیم ظاهر می شود. فرشته دوبار به نفع هاجر، کنیز سارا، و برای دفاع از او در برابر خشم سارا وساطت می کند. ولی ظهور مهم تراو، ظهورش در صحنه معروف قربانی اسحاق است (پید ۲۲). فرشته خداوند نزد ابراهیم که آماده قربانی کردن پسرش می آید تا او را از این کار باز دارد. کار مشکلی است که بتوان در این روایت میان فرشته خداوند و خود خداوند تفاوت را تشخیص دهیم. در کتاب خروج، فرشته خداوند به موسی ظاهر می شود:

«فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد و چون او نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی شود» و موسی گفت: «اکنون بدان طرف شوم، و این امر غریب را ببینم که بوته چرا نمی سوزد» و چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو می شود، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: «ای موسی! ای موسی!» گفت: «لبیک.» (خروج ۳: ۲-۴).

ما دوباره فرشته خداوند را در واقعه جالب بلعام و الاغش مشاهده می کنیم. الاغی که از اربابش هوشمندتر است فرشته او را در راه می بیند (اعداد ۲۲) و از او اطاعت می کند در حالی که صاحبش قصد دارد اسرائیل را لعنت کند.

در کتاب داوران، فرشته به دفعات مکرر برای دادن کلام به انسان ها مداخله می کند. مانند جدعون یکی از انبیای اسرائیل (داوران ۶). فرشته در سرود مذهبی دپوره نیز دیده می شود (داور ۵: ۲۳) و نیز او مژده تولد شمشون را می دهد (داور ۱۳).

فرشته هم چنین نزد ایلیم می آید تا در مقابل ایزابل از او حمایت کند و به او آذوقه می دهد برای اینکه بتواند چهل روز تا کوه خداوند، حوریب برود (۱- پاد ۱۹: ۷). در کتاب دانیال او نزد

پیامبر در کوه نازل می شود (دانیال ۳: ۴۹) متن یونانی. در حمایتش از پاکدامنی سوسن، دانیال فرشته خداوند را مانند یک دادگستر (حامی ضعفا) معرفی می کند که شمشیرش را برای به دو نیم کردن شاهدین دروغین بیرون می کشد (دانیال ۱۳) متن یونانی.

فرشته ویرانگر:

در برخی از متون کتاب مقدس، فرشته خداوند به صورت یک جنگجوی هولناک است. در هنگام حکومت اورشلیم، فرشته خداوند با توانایی تمام بر ضد سنجاریب مداخله می کند و صد و هشتاد و پنج هزار نفر از لشکریان او را می کشد. سنجاریب فوراً فرار می کند و به شهر خود نینوا برمی گردد. تاریخ نویسانی مانند هرودوت می گویند که علت شکست خوردن لشکر آشوریان، موش های ناقل طاعون بود. احتمال دارد رویدادهایی اتفاق افتاده باشد ولی چنین رویدادی برای اسرائیل رخ نداده است (۲ پاد ۱۹: ۳۵؛ اش ۳۶: ۳۷). در این رویدادها، دست خداوند دیده می شود که توسط فرشته اش مبارزه می کند.

فرشته هم چنین می تواند قوم را تحت تأثیر خودش قرار دهد. مانند زمان سرشماری که توسط داود دستور داده شده کتاب تواریخ از فرشته ویران گری صحبت می کند در تمام کشور بیداد می کرد (۱-توا ۲۱).

سخنی در مورد خداوند:

این روایات چگونه درک می شوند؟ مسلماً آنها به دنبال بازگو کردن رویدادهای دقیق در جریان تاریخی شان نیستند. راویان کتاب مقدس نمی خواهند در سطح ظاهر رویدادها باقی بمانند بلکه آنها به دنبال استخراج مفهوم هستند. ممکن است موش ها باعث فرار سنجاریب شده بودند ولی این توجیه نهایی نیست. اسرائیل در این رویدادها دست خدا را می بیند. خداوند با قومش عهد می بندد و دخالت می کند وقتی زندگی قومش در خطر است.

در عین حال توصیف روایت به این صورت خطری در پی دارد. برخی الهی دانان اسرائیل متوجه شده اند که در دسترس قرار دادن عظمت خداوند ریسک کردن است. شایسته نیست که خداوند را مانند یک جنگجوی وحشی که تشنه خون است معرفی کنیم. به او ویژگی های بیشتر شبیه به بشر نسبت می دهند صحبت کردن از فرشته خداوند یکی از روش های حفظ کردن عظمت خداست. این نکته برای تمام متون بالا قابل قبول است. ولی راوی توسط فرشته خداوند از خود خداوند صحبت می کند به خاطر این است که او در تمام دنیا عمل می کند. فرشته خداوند نمونه ای از ظاهر قابل رؤیت خداوند غیر قابل رؤیت است.

ناپدید شدن فرشته خداوند:

در عهد جدید ، تصویر فرشته خداوند به تدریج محو می شود. به استثنای روایات کودکی مسیح همه چیز از خاطرات عهد عتیق احاطه شده است ، همچنین باز هم رؤیای فرشته خداوند را در بخش اول کتاب اعمال رسولان مشاهده می کنیم ، قسمتی که در بین یهودیان اتفاق می افتد. در لحظه ای که پولس وارد صحنه می شود و خبر خوش به مشرکین داده می شود دیگر جایی برای نشان دادن فرشته خداوند وجود ندارد. این زبان دیگر قابل درک نیست.

اجتماع مسیحیان ، روش خوبی برای بیان راز خدا پیدا کرده اند. راز در عین حال هم خارق العاد و هم نزدیک به بشر است. آنها دیگر از ظهور زودگذر و ناپایدار فرشته خداوند در تاریخ بشریت صحبت نمی کند بلکه از کلمه خداوند که آمد تا در بین ما زندگی کند.

ملائک مقرب: جبرائیل، میکائیل، رافائل

دانشتن نام یک نفر اولین مرحله شناخت اوست؛ آیا می توانیم بگوییم که فرشته ها را می شناسیم؟ کتاب مقدس تنها نام سه تن از این فرشته ها را ذکر کرده است. که آنها ملائک مقرب هستند.

اگر از یک نفر مسیحی نام یک فرشته را سؤال کنیم، او بی اختیار ابتدا نام جبرائیل را بیان می کند؛ زیرا به دلیل ظاهر شدن در هنگام مژده تولد عیسی و روایات کودکی وی مشهورتر می باشد. با این وجود، از موجودی که معمولاً کتاب مقدس ذکر می کند دور است که بر اساس آن بتوانیم اطلاعات بیشتری به دست آوریم.



میکائیل یا میشل :

در عهد عتیق، نام میشل یا میکائیل فقط در کتاب دانیال ظاهر می شود. میشل یعنی: «کسی که شبیه خداست؟» در آخر کلمه نام الهی (الله) را می یابیم که در پایان بسیاری از نام های کتاب مقدس وجود دارد. این یک یادآوری خوب است که در آن اثری از نام الله را حفظ کنیم. از سوی دیگر می دانیم که یک نام در کتاب مقدس، شخصیت مشخص و نقش او را در زندگی توضیح می دهد.

میکائیل فرشته ای که مدافع قوم برگزیده بود.

میکائیل یک استثناء نیست در اولین اشاره به او که کتاب دانیال آن را

انجام می دهد باب ۱۰ آیه ۱۳، او را مانند «یکی از رؤسای ردیف اول» معرفی می کند. کمی بعد در این همین باب در آیه ۲۱: فرد اسرار آمیزی که با دانیال صحبت می کند او را (میکائیل) «رئیس شما» می نامد از آنجایی که این کلام مربوط به وحی الهی است، متوجه می شویم که

میکائیل در رأس دربار خداوند است. زبان این متن شرقی و شاهانه است. و هم چنین متوجه می شویم که او رئیس خاص ملت دانیال و بنابراین اسرائیل است. در زمان عذاب مصیبت بار که دانیال از آن به صورت رمزی صحبت می کند، میکائیل، سنبل راستی و تنها قدرت توانا در حمایت از قوم خداست. او بر ضد رؤسای زمینی که قوم را هدف قرار می دادند به یاری قوم می آید. نام «کسی که مانند خداست؟» خداوند یکتا را به یاد می آورد که قومی وفادار است. او مانند خداوند نزد پسران قوم که هم چنین ملت دانیال هستند حضور دارد. (دان ۱۲: ۱).

در عهد جدید:

دو قسمت از عهد جدید، مجدداً به اسم میکائیل اشاره می شود. در کتاب مکاشفه از میکائیل صحبت به میان می آید، در جایی که جنگی در آسمان رخ می دهد. در کتاب مکاشفه مانند کتاب دانیال، این جنگ رویدادهای زمین را نشان می دهد که نمی توان با عبارات روشنی آن را بیان نمود، میکائیل و فرشتگانش بر ضد اژدها می جنگند که مسلماً اژدها به روی زمین می افتد (مکا ۱۲: ۷-۸).

این جنگ به بسیاری از مسیحیان الهام بخشیده و از همه قسمت های آن تصاویر اطمینان بخش دیده می شود. متن دیگری که زیاد معروف نیست رساله یهودا می باشد که، توضیح می دهد که میکائیل یکی از ملائک مقرب است و او را به خاطر احترامش مثال می زند حتی در برابر شیطان چون او داوری را بر عهده خداوند گذاشت (یهودا ۹).

رافائیل:

نام رافائیل، تنها در کتاب طوبیاس برای ما شناخته شده است ولی نقش او در این روایت بسیار مهم است نامش ۱۴ بار ذکر شده است، البته به جز مواقعی که نامش آزَمیا به عنوان نام یک مرد ذکر شده است کلمه رافائیل به مفهوم (خدا شفا می دهد) است. و این نام تمام داستان کتاب طوبیاس را خلاصه می کند. رافائیل در اجابت به دعای دو وفادار از دو کشور مختلف به خداوند که به طور ناعادلانه بیمار شده اند به زمین فرستاده می شود.

یکی از هفت فرشته:

طوبیاس، نمونه ای از یک دادگر ناخوش احوال است. او همیشه نان و دارایی اش را با فقرا تقسیم کرده و خطر دفن کردن محترمانه مرده های قوم خویش را که در تبعید به سر می بردند را به جان می خریده است در حالی که نابینا شده بوده است. سارا، دختری که هفت بار ازدواج کرده

ولی هر دفعه شوهرش قبل از اینکه به او نزدیک شود، می میرد. سارا و طوبیاس مورد گوشه و کنایه اطرافیان خود قرار می گیرند و به سوی خداوند بازمی گردند. دعای آنها در حضور خدا شنیده می شود. و رافائیل به مانند نشانه ای فرستاده می شود تا دعای آنها اجابت شود. او با طوبیاس تنها پسر طوبیت برای سفر به سرزمین ماد همراه می شود.



او با امیدواری تمام این سفر را به آخر می رساند. به لطف او مسافرت بی خطر بود و هدف به آسانی محقق شد. او قلب و کبد و زردآب ماهی خطرناک را به دارویی تبدیل می کند که دود آن شیطانی را که نامزدهای سارا را می کشت متواری می کند. کینه به خدمت در می آید تا شفای چشمان طوبیاس باشد. رافائیل پولی را که توسط طوبیاس نزد یکی از برادران برادران جبعیل به ودیعه گذاشته شده است، پس می گیرد. طوبیاس با سارا ازدواج می کند. بازگشت بدون هیچ ماجرای سپری می شود.

مینیاتوری از کلیسای هندوستان قرن ۱۶
رافائل طوبیاس را در مسافرتش همراهی می کند و جهت شفای چشم پدرش ماهی صید می کند. (طوبیا ۶: ۲-۶)

مانند یک قصه همه چیز به خوبی تمام می شود. در لحظه ای که او حقوقش را دریافت می کند رافائیل نقاب از چهره خود بر می دارد و خود را معرفی می کند. سنت و متن های جعلی از او یک

ملک مقرب می سازند. در ایمان مردمی، او به نوعی از فرشته نگهبان تبدیل شده است که هدایت می کند، راهنمایی می کند، خطرها را دور می کند و تمامی دردهای زندگی را شفا می بخشد و از خوشبختی مواظبت می کند.

جبرائیل:

اولین بار در کتاب دانیال جبرائیل نام برده می شود، مانند «میکائیل»، او تحت عنوان «مرد خدا» یا «خدا خود را قوی تر نشان داده» ظاهر می شود. او را در نقش یک مجری در دو قطعه از کتاب دانیال می یابیم. هربار، دانیال در مقابل یک راز ناخوشایند قرار دارد. ابتدا رؤیای عجیب قوچ و بز است که بر او ظاهر می شود و دگرگونی هایی که عقل سلیم او را قادر به انجام آنها، نمی داند (دانیال ۸). دانیال در جستجوی درک رؤیاست اکنون او می گوید. «شبییه مردی نزد من ایستاد» صدایی ندا کرده گفت: «ای جبرائیل این مرد را از معنی این رؤیا مطلع ساز». و جبرائیل رخدادی را که قبل از رسیدن زمان آخر باید اتفاق بیافتد را توضیح می دهد. دومین وساطت جبرائیل مانند همین دستور است. دانیال، مأیوسانه از جبرائیل در مورد نبوت ارمیا مربوط به طولانی شدن به ۷۰ سالی که خرابی اورشلیم طول می کشد و بندگی اسرائیل سؤال می کند (ارمیا ۲۵: ۱۲-۱۴). او دعا می کند، در حالی که به گناهان خود و قومش



شمایل کلیسای روس قرن ۱۷

اعتراف کرده و به خاطر «کوه مقدس خداوند» التماس می کند.

دوباره جبرائیل برای آگاه کردن او می آید. این وحی، وحی ایست در مورد هفتاد سالی که قبل از پایان دنیا جریان دارد. وحی با یک ابهام بزرگ که به خوبی به تصورات نسبت داده است. لوقا در مژده تولد یحیی تعمید دهنده و عیسی از جبرائیل صحبت می کند او را بیشتر مانند یک پیام آور معرفی می کند تا یک مجری. این صورت پیام آور است که مسیحیان به یاد می آورند. ولی لوقا ظاهراً متون دانیال را می شناسد و برحسب اتفاق نیست که او جبرائیل فرشته را در روایت خویش دخالت می دهد. سنت از حدود زمان های طولانی گذشت نظم داده بین ملک مقرب و یکی از هفت فرشته را به عنوان «فرشته ردیف اول» در نظر گرفته است.

ملائک مقرب:

کلمه ملک مقرب به سه دسته فرشتگان اطلاق می شود. میکائیل در رساله یهودا سر دسته فرشتگان و در متون دیگر کتاب مقدس پادشاه خوانده می شود ملک مقرب در صحنه داوری الهی، در مبارزه هایی که عادلان بر علیه کافران انجام می دهند به یاری عادلان می آیند و در برقراری دوباره خوشبختی بعد از بدبختی، رستخیز مردگان و هنگام آمدن عیسی به عنوان رهایی دهنده ظاهر می شود. در میان دسته های مختلف فرشتگان تنها آنها نام های مخصوص دارند. کتاب مقدس سه تای آنها را می شناسد: میکائیل، رافائیل، جبرائیل، متون دیگر از سنت یهودی مانند کتاب خنوخ، و چهارمین کتاب عذرا آنها را چهار، شش یا هفت نفر می نامد. می دانیم که عدد ۷ یک عدد سمبولیک است. علاوه بر میکائیل، رافائیل و جبرائیل در متون دیگر که جزء متون کتاب مقدس نیست و در لیست های گوناگون نام های پانوئل، اوریل، سلاطیل، رگائل، سرئیل، ابارشیل، ژادیل یافت می شود. تمام این نام ها به الله برمی گردد. به عبارت دیگر یک ملک مقرب به گونه ای نایب خداوند است. جالب توجه می باشد که در متون عهد عتیق، ملائک مقرب و هم چنین شرایط فرشتگان در مواقع سختی و مشکلات و هم چنین در شرایط تنگی دخالت می کنند، و امروزه نیز ظاهراً چنین حالتی قابل مشاهده می باشد، بدین معنی که زمانی که خدا ظاهراً دور از زندگی شده است. به فرشتگان احتیاج داریم تا ترس و واهمه را از خود دور نماییم.

جبرائیل فرشته کلام خداوند:

قرائتی از کتاب دانیال ۹: ۲۰-۲۵

«و چون من هنوز سخن می گفتم و دعا می نمودم و به گناهان خود و گناهان قوم خویش اسرائیل اعتراف می کردم و تضرعات خود را برای کوه مقدس خدایم به حضور بپوه خدای خویش معروض می داشتم» کسی که صحبت می کند دانیال است. او متحمل یک رنج بزرگ است در

برابر موقعیت کشورش که در آن یک فرمانروای بیگانه می‌خواهد به زور قوانین و پرستش آنچه را که برخلاف خداست تحمیل کند. برای تلاش کردن به منظور درک اتفاقات و برگشت امید، او به یک متن از ارمیا رجوع می‌کند که گناه خود و قومش را و فراموشی خدا را افشاء می‌کند که اینها دلیل بدبختی حاضر است بیش از اعلام پایان این دردها. او گناه خود و قومش را در حضور خدا به یاد می‌آورد و درخواست بخشش کرده و التماس می‌کند برای اینکه معبد «کوه مقدس» به مقصد اولیه خود تبدیل شود.

«چون هنوز در دعا متکلم می‌بودم، آن مرد جبرائیل که او را در رؤیای اول دیده بودم به سرعت پرواز نموده، به وقت هدیه شام نزد من رسید». در قسمت قبلی، جبرائیل مانند «یک صورت انسانی» توصیف شده. در اینجا سؤال «این انسان» مد نظر است ولی بلافاصله، با عبارت «با یک پرواز سریع» نشان می‌دهد که موضوع در مورد یک انسان معمولی نیست ما می‌بینیم که نویسنده کتاب برای به قلم آوردن چیزی که می‌خواهد بگوید تحت فشار است و او برای دوری کردن از اشتباهات در مورد بیان شخصیت وی احتیاط می‌کند. دو مفهوم معنی‌دار بیان می‌شود: جبرائیل «نزدیک می‌شود» به دانیالی که در حال دعاست و از طرف دیگر ساعت عبادی معبد بوده است و ساعتی که در آن هر روزه بره‌ای به یاد اولین عید فصح تقدیم می‌شود. «مرا اعلام نمود و با من متکلم شده گفت: ای دانیال الان من بیرون آمده‌ام تا تو را فطانت و فهم بخشم. در ابتدای تضرعات تو امر صادر گردید و من آمدم تا تو را خبر دهم زیرا که تو بسیار محبوب هستی، پس در این کلام تأمل کن و رؤیا را فهم نما.» جبرائیل از جایی دیگر می‌آید و بیرون آمده. مکانی که او از آن جا آمده مشخص نیست ولی مسلماً مربوط به دنیای الهی است و آمده تا به دانیال که در حال دعاست بگوید که دعایش مستجاب شده از ابتدا کلامی که ناگهان در پاسخ آمده، به نحوی است که خدا برای بخشیدن انسان خلق می‌کند. همچنین او باید این را بداند که این رسالت جبرائیل است که او را مطلع سازد و برای اینکه خبر بیهوده نباشد، جبرائیل وظیفه «فطانت و فهم بخشیدن» را به بشر و در حال حاضر به دانیال بر عهده می‌گیرد. این امتیاز از لیاقت‌های دانیال ناشی نمی‌شود بلکه به خاطر این است که «او انسان محبوب» در نزد خداست.

«هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدست مقرر می‌باشد تا تقصیرهای آنها تمام شود و گناهان آنها به انجام رسد و کفاره به جهت عصیان کرده شود و عدالت جاودانی آورده شود و رؤیا و نبوت مختوم گردد و قدس الاقداس مسح شود پس بدان و بفهم».

کلام ارمیا ۲۵: ۱۱-۱۴ که بر اساس آن دانیال آن را به بحث می‌کشد، عددی را مطرح می‌کند برای «سال‌هایی که اورشلیم باید متحمل ویرانی شود، هفتاد سال» دانیال سؤال مطرح نمی‌کند چون کاملاً

واضح است که هفتاد سال یک عدد سمبولیک می باشد. هفتاد سال امتیازی نیست که از متن گرفته شده باشد. بنابراین هفت به مفهوم تکمیل و کمال است و هفتاد هفته مجموع زمان آنچه که بالاخره دوباره شروع می شود این نماد بی شک از سال قمری گرفته شده است. در کتاب مقدس، هفت دفعه هفت سال زمانی است در مفهومی که معروف است به سال شادی، بنابراین پنجاهمین سال زمانی است که در آن به دلیل لطف، زندانی، برده و مقروض تبرئه می شود. هم چنین، ده سمبل مجموع و معمولاً مجموع حرکتی است. آن را مشاهده می کنیم ۷۰ سال یا ۴۸۰ که نشان می دهد یک دوره داوری کامل و کافی توسط خداوند. در مفهوم پایان دردها خواهد رسید، نابودی قدرت های بد و پیروزی بر بت پرستی. مقدس ترین مقدسات، یعنی معبد، از بت ها آزاد خواهد شد و به خدمت خداوند در خواهد آمد.

این عبارت، از لحاظ تاریخی تصرف دوباره و پاکی معبد اورشلیم را در ۱۶۴ سال قبل از میلاد مسیح مد نظر دارد. به طور گسترده تر، در اینجا خبری یافت می شود که هیچ غم و غصه ای پایدار نیست و خداوند حاکم بر زمان است: این اساس امیدواری است.

جبرائیل به طور رسمی فرستاده شده تا این پیام را برای دانیال و برادرانش که در بدبختی هستند برعهده گیرد. او یک قلب آماده می یابد، قلبی که آماده است تا او را آگاه ساخته و او نیز قادر به درک آن است.

از زمان صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح پادشاه، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود».

از محبت عیسی مسیحیان این جمله را مانند خبر زمان افتتاح می خوانند که مسیح نامیده می شود یعنی ناجی، پادشاه، پیامبر و روحانی که خداوند او را به عنوان آخرین و کامل ترین فرستاده مسح کرده است.



شمایل ارمنی سه جوان در کوره آتش
حمایت فرشته (دان ۳ : ۲۴-۲۵)

رواج فرشته‌ها:

فرشتگان و اهریمنان شاید از زمان به وجود آمدن کتاب مقدس وجود داشتند ولی نویسندگان یهودی با یک تداوم مشترک به آنها نپرداخته‌اند. در نهایت، تاریخ نویس رواج آنها در دنیای یهود در سه قرن قبل از میلاد عیسی اعلام می‌کند.

در کتب مقدسی که قبل از تبعید نوشته شده‌اند، فرشتگان جای کمی را به خود اختصاص داده‌اند. در این جا بیشتر حضور فرعی فرشته خداوند مشاهده می‌شود. بعد از بازگشت از تبعید، مفهوم کاربرد فرشته‌ها نزد یهودیان عوض شد. سادگی دوران پیشگویانه یا پیامبرانه دیگر رواج نداشت. برتری مسلم فرشته یهود نیز تمام شده بود. دید یهودیان عوض شده بود. دنیای ذهنی آنها از فرشتگان و اهریمنان پر شده بود. پیشتر، نویسندگان کتب مقدس در یک بعد محدود به دخالت فرشته در زندگی بشر متوسل می‌شدند. چهره‌های مشهوری که کلام خدا را برای مردم می‌آوردند پیامبران بودند. هنگامی که اهمیت کلام خدا متمرکز می‌شود روی وظیفه‌ای که بر عهده گرفته شده توسط انسان‌هایی با امیدواری، شجاعت و آگاهی از تمام آنچه که شرایط انسانی اجازه انجام آن را می‌دهد احتیاجی به فرشته‌ها نیست. این انسان‌ها پیغام خدا را با اعمالشان مطرح می‌کنند ولی بر اساس کلام کتاب مقدس، بعد از تبعید، پیامبران کشته شدند مانند شعله‌ای که دیگر برافروخته نیست.

مبارزه جهانی مابین فرشته ها و شیاطین :

در حدود قرن ۳ یا ۴ قبل از میلاد عیسی مسیح ، یهودیان از تبعید بابل با ایمان به فرشتگان برگشتند. در نهایت ، دنیای مذهبی بابلی ها سرشار از چهره های فرشته های مختلف شد. هفت فرشته که در کتاب طویاس هستند (۱۵:۱۲) که دوباره در کتاب مکاشفه (۲:۸) به آنها توجه شده، که معادل خودشان را در دنیای مذهبی پارسیان دارا هستند.

این فرشته ها فقط در کتاب های مقدس حضور ندارند، آنها حتی بیشتر در ادبیاتی حضور دارند که مربوط به شریعت نیست و ربی ها هم آن را رد می کنند. و هم چنین متونی که جعلی نامیده می شوند. به ویژه در کپی از این شاخه ها جریان مکاشفه و فرشته ها و شیاطین متعلق به سیستم آنها است که بر اساس سلسله مراتب بازسازی شده بر اساس نقشی مشخص (مخصوصاً در کتاب خنوخ) ، آنها معمولاً در جنگ های کیهانی رو در رو می شوند با این تصور که آنها در فرهنگ پارسیان حضور دارند، جایی که در آن در جریان های مربوط به دین مانی در دو جنبه گسترش پیدا کرده اند، جنبه نیکی از یک طرف و جنبه بدی و شر از طرف دیگر، می توان گفت که آنها در خدمت معرفی دوگانه ای از دنیا هستند، دنیایی که توسط نیروهای خوب حمایت



نقاشی روی گنبد کلیسای ناصره قرن ۲۰

پذیرایی ابراهیم از سه فرشته که نشانگر راز سه گانه اقدس می باشد.

می شود و دنیایی که توسط نیروهای شر حمایت می شود. هم چنین خاطره این مبارزه را در کتاب زکریا می یابیم جایی که فرشته خداوند در مقابل شیطان قرار می گیرد: «یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده بود تا با او مخاصمه نماید» (زک ۱:۳).

خدای یکتا، خالق بدی نیست:

هر چند یهودیان با بدبختی های تبعید و مشکلات بازسازی، بیشتر از شدت و ثبات و دوام بدی آگاه شدند ولی آنها بی اختیار قسمت هایی را که مخالف با آنچه که نزد عقاید پارسیان بود پذیرفتند. اسرائیل، سرزمین خداوند یکتا، نمی توانست بپذیرد که دنیا میان خدایان نیکی و خدایان بدی به دو نیم شده که هر کدام از این دو گروه، دارای لشگری از فرشته های نیک و اهریمنی خود را دارا باشند. این طرز فکر واقعا غیرقابل قبول بود. بنابراین، اسرائیل در نهایت با این سوال مواجه می شود: چگونه می توان حقیقت وجود بدی را پذیرفت بدون آنکه خداوند یکتا را مسبب آن دانست؟

به آرامی در ذهن یهودیان جا افتاد که خداوند زمینه ظهور مسیح را آماده ساخت تا او بدی را بر روی دوش خود گیرد. چون خداوند نتوانست موجود دیگری را بدین منظور بپذیرد. برای همین است که فرشتگان اهریمنی در کتاب مقدس تنها قسمتی ناچیز به خود اختصاص داده اند.

یک هویت مخدوش:

برای درک بهتر این ازدیاد فرشته ها، نگاهی به جامعه یهودی این دوران بسیار توضیح دهنده است. زمان مشکلات است. تمام تصاویر هویتی یهودیان مخدوش شده است. در مراجعت از تبعید، پراکندگی که تمام فرزندان اسرائیل را تحت تأثیر قرار داده مد نظر قرار گرفت. درک غلط، هم میان کسانی که در سرزمین باقی مانده اند و هم کسانی که از تبعید برمی گشتند، جای گرفت.

معمولاً واعظان و متبکران علی رغم آزمایشات و رنج ها در شهرهای بزرگ زندگی می کنند. بعضی از خانواده ها در بابل ماندند و برخی دیگر به مصر رفتند. پراکندگی یهود به یک واقعیت تبدیل شد و هویت یهودیت را به مخاطره انداخت: ما چه کسانی هستیم اگر تنها یک سرزمین دیگر ما را در خود جای ندهد؟ از طرف دیگر، سرزمین اسرائیل از سال ۳۳۳ تا ۱۴۲ قبل از میلاد مسیح در دست یونانیان، جانشینان اسکندر بود.

آنها با خود یک فرهنگ گمراه کننده برای یهودیان به ارمغان آوردند که موجب ایجاد دو

دستگی در جامعه یهودیت شد. آیا آنها باید رسوم یونانیان را پیروی می کردند و یا آن را رد می کردند؟ تمام این اختلافات یک جو ناامنی بزرگی را ایجاد کرد که در رفتارهای مذهبی نیز ظاهر شد.

درخواست کمک:

هم چنین زمانی که روند پیشرفت مسائل پریپیچ و خم فرا می رسد، درک کلام خداوند برای عده بسیاری مشکل می شود. به سختی می توان قدرت های پیچیده و مشکل را تشخیص داد زیرا آنها کلام و اعمال را مختل می کنند، انسان ها سکوت می کنند، فرشتگان از راه می رسند. آیا باید به بیهودگی و عبث بودن فرشتگان نظر داد؟ پاسخ ساده ای نیست. اما در اینجا دو نکته مطرح می شود:

اناجیل، کلید استفاده درست را به ما می دهند فرشتگان تنها یک مکان نسبی را در اناجیل کودکی و سپس در نزد مقبره خالی به خود اختصاص داده اند آنها شاگردان عیسی را احاطه می کنند زیرا کلمات انجیل نویس برای آنکه آمدن خدا را در دنیا و مرگ و رستاخیز و حضور ابدی او را اعلام کنند ضعیف هستند. در درجه دوم، اگر انسان های قرون بعد از تبعید به فرشتگان و اهریمنان مراجعه می کنند، این بر اساس یک انتخاب سنجیده نیست. شاید این تنها صورت در دسترس است تا آنها بتوانند سراسیمگی خود را در برابر دنیای که دیگر باورشان نمی کند، اعلام کنند. در اینجا در مورد این نکته با مطرح کردن سؤال زیر ریسک می کنیم: مراجعه بیش از حد به فرشتگان و اهریمنان آیا یک درخواست مساعدت نیست؟ روی هم رفته، هر چه قدر که تعداد فرشته ها بیشتر باشد، بیشتر و سریع تر به کمک انسان ها خواهند آمد.



در کتاب مقدس می توان انواع مختلف فرشتگان را که نقش های متفاوتی را دارند تشخیص داد (فرشتگان اصلی و فرشتگان فرعی). اینک نمونه ای چند از این فرشته ها:

فرشته یهوه: در برخی از متون، این اصطلاح به خود خداوند اشاره دارد و بدین منظور آورده شد که از به کار بردن نام خداوند جلوگیری کند (پید ۷:۱۶؛ خروج ۲:۳ و...) و در متون دیگر، فرشته خداوند مانند یک مجری تصمیمات الهی ظاهر می شود (۲- پاد ۱۹:۳۵) کسی که او را به یک ویرانگر ربط می دهد (خروج ۲۳:۱۲؛ ۲- سمو ۱۶:۲۴؛ اع ۱۲:۲۳).

فرشتگان شبگرد: یا «فرشتگان نگهبان» همانطور که کتاب مزامیر توضیح می دهد نقش نگهداری از مردم را دارند «فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راه هایت تو را حفظ نمایند. (مز ۹۱:۱۱؛ مت ۱۸:۱۰).

فرشتگان مفسر: به انسان ها مفهوم رؤیاهایشان را توضیح می دهند. آنها هم چنین در کتاب حزقیال (۳:۴۰) حضور دارند و به ویژه در کتاب دانیال در کنار جبرائیل حضور می یابند. (دان ۸:۱۶؛ ۹:۲۱؛ ۱۰:۵).

فرشتگان رستاخیز: در صبح رستاخیز، در مقابل مقبره خالی، فرشتگان حضور دارند در انجیل لوقا (۴:۲۴) «دو مرد در لباس درخشنده» به زنان اعلام می کنند که عیسی زنده است. در متی ۵:۲۸ این خبر توسط فرشته خداوند تضمین شده است.

کروبیان: که تخت رحمت را با بال هایشان می پوشانند و محافظت می کنند (خروج ۲۵:۲۵؛ مز ۹۰:۲؛ مز ۹۹:۱)، آنها صندوق عهد را می گیرند (خروج ۲۵:۲۰). یا به او به عنوان یک مرکب خدمت می کنند (مز ۱۱:۱۸).

سرافین: یعنی «اخگر» که قدوسیت خدا را می سرایند (اش ۶:۲-۳).

پولس رسول، گروه فرشتگان خداوند را چنین می داند: تخت ها، سلطنت ها، ریاسات و قوا (کولسیان ۱:۱۶). در نهایت، از «فرشتگان شریر» صحبت می شود (شیاطین).